

سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیتی در معتادان به موادمخدر

عباسعلی اللهیاری*، محمود کاظمی**، سعید حیدری***، حبیبه پیکان حیرتی****

دریافت مقاله:

۹۱/۸/۲۱

پذیرش:

۹۲/۱۰/۱۸

چکیده

هدف: سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیتی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در زندگی انسان‌ها هستند و می‌توانند بسیاری از رفتارهای افراد از جمله گرایش به مصرف و سوءمصرف مواد را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین هدف پژوهش حاضر مطالعه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در افراد مصرف‌کننده موادمخدر است.

روش: نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۰۳ فرد مصرف‌کننده مواد (۴۵ زن و ۵۸ مرد) است که پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی کولینز و رید و پرسشنامه شخصیتی نئو را تکمیل نمودند.

یافته‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مقیاس t و همبستگی استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده سابقه اعتیاد به مواد در بین خانواده معتادان بود، طلاق در بین معتادان زن بیشتر گزارش گردید. همچنین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا سبک شایع بود. همچنین رابطه معناداری بین سبک‌های دلبستگی ناایمن با ویژگی شخصیتی روان نژند خوبی مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر تلویحات نوینی در حوزه اعتیاد پژوهی ایجاد کرده است.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، صفات شخصیتی، اعتیاد، سوءمصرف مواد.

*دکتری روان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران و رئیس سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور.

**دکتری روان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان.

***کارشناس ارشد روان‌شناسی (نویسنده مسئول). پست الکترونیک:

مقدمه

و محرومیت کودک از مراقبت مادرانه یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی، ممکن است بسیاری از روان آزرده‌گی‌ها و اختلالات شخصیت در کودک شکل بگیرد (بالبی، ۱۹۶۹). سبک‌های دلبستگی می‌توانند در شکل‌گیری الگوهای شخصیتی نقشی تعیین‌کننده داشته باشند (کارلسون^۹ و اسرواف^{۱۰}، ۱۹۹۵).

الگوهای دیرپای شخصیتی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در مصرف مواد مخدر هستند که در سال‌های اخیر بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. ویژگی‌های شخصیتی در فرایند اعتیاد و مراحل آن مانند شروع، گسترش و تداوم وابستگی به مواد نقش دارند (بال^{۱۱}، ۲۰۰۴). سوء مصرف مواد و اعتیاد به مواد مخدر یک ناهنجاری شناختی، رفتاری و بالینی است که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و زیست‌شناختی قرار دارد. عوامل اجتماعی بیشتر در شروع و عوامل زیست‌شناختی بیشتر در ادامه مصرف و وابستگی نقش دارند (والترز^{۱۲}، ۱۹۹۹). روند مصرف مواد مخدر و الگوی سوء مصرف مواد از قبیل کوکائین، حشیش و اکستازی در قشر جوان و تحصیل کرده در حال افزایش است و گرایش مردان به مصرف مواد بیشتر از زنان است (شریعت پناهی و شهبازی، ۱۳۸۹). در پژوهش یانویتزکی^{۱۳} (۲۰۰۵) اثرات مستقیم و غیر مستقیم هیجان‌خواهی (به عنوان یک صفت شخصیتی) در مصرف‌کنندگان مواد مورد

اصطلاح دلبستگی^۱ به پیوند عاطفی بین نوزاد و مادر اشاره دارد، در طول زمان دارای ثبات بوده و نقش مهمی را در بهداشت روانی افراد ایفا می‌کند (بالبی^۲، ۱۹۶۹). دلبستگی یک پیوند عاطفی - هیجانی نسبتاً پایدار است که بین کودک، مادر و یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائمی با آنهاست و یا اینکه از او مراقبت می‌کنند شکل می‌گیرد (پاپالیا^۳، ۲۰۰۲). سبک‌های دلبستگی در طول زمان ثابت هستند و تغییر چندانی نمی‌کنند، به عبارت دیگر بین سبک دلبستگی افراد در کودکی و بزرگسالی هماهنگی وجود دارد (بالبی، ۱۹۶۹؛ هازان و شاور^۴، ۱۹۹۴؛ لوی^۵ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کرک پاتریک^۶ و هازان، ۱۹۹۴). تجربه‌هایی که نوزاد با مراقبش دارد در آینده روابط کودک با دیگران درونی‌سازی شده و این الگوهای درونی شده، در شکل‌گیری مفهوم خود و دیگران برای کودک تأثیرگذار بوده و کودک این مفاهیم را به رابطه با دیگران تعمیم می‌دهد (پینز^۷، ۲۰۰۵). شکست مادر و یا مراقب نزدیک کودک در ایجاد ارتباطی گرم، صمیمی و پاسخ‌دهنده، در سال اول زندگی مشکلات رفتاری پایداری را در کودک ایجاد می‌کند (فوگل^۸، ۱۹۹۷). تجربه یک ارتباط صمیمی، گرم و مداوم با مادر و یا جانشین دائمی مادر، عاملی مهم و تأثیرگذار برای سلامت روانی کودک می‌باشد، در صورت شکست در شکل‌دهی این رابطه

1. attachment
2. Bowlby
3. Papalia
4. Hazan, & Shaver
5. Levy
6. Kirkpatrick
7. Pines
8. Fogle

9. Carlson
10. Sroufe
11. Ball
12. walters
13. Yanovitzky

بررسی قرار گرفت، مشاهده گردید که هیجان-خواهی در بیشتر اوقات از طریق ارتباط با همسالان منحرف و یا مصرف کننده نقش میانجی را برای مصرف مواد ایفا می کند.

یافته های تحقیقی نشان می دهد که خانواده ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم نقش بسیار مهمی در گرایش کودکان و نوجوانان به مصرف مواد مخدر ایفا می کنند، بسیاری از مصرف کنندگان مواد مخدر شرایط رفاهی نامساعد در خانواده گزارش دادند و بیان داشتند که بسیاری از نیازهای اساسی و اولیه شان در خانواده برآورده نشده است. همچنین مشخص گردید که روابط سرد و سطحی بر خانواده آنها حاکم بوده و والدین از شیوه های نادرست برای تربیت فرزندانشان استفاده می کردند (یحیی زاده، ۱۳۸۸). شکایت از تجربیات درناک گذشته در معتادان به مواد مخدر شایع است. بی توجهی مادر به فرزند باعث می شود خودتنظیم گری با موفقیت انجام نشود و ساختارهای روانی مرتبط با کنترل درونی رفتار شکل نگیرند، بنابراین این افراد به امور و اشیای بیرونی وابستگی بیشتری نسبت به افراد دیگر پیدا می کنند و مصرف مواد یکی از شیوه های جبران کمبودهای درونی است، همچنین ادبیات پژوهشی حاکی از این است که بین سبک دلبستگی ایمن و شدت ابتلا به اختلال مصرف مواد همبستگی معنادار منفی وجود دارد (کوهات، ۱۹۹۲). ساختار خانوادگی و دلبستگی به والدین با انواع انحرافات رفتاری مانند بزهکاری، مصرف مواد مخدر و سیگار در نوجوانان تأثیرگذار است، به عبارتی یک ارتباط معنادار بین دلبستگی و رفتارهای

انحرافی وجود دارد (سکال کاتز^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). دلبستگی ناسالم در دوران کودکی می تواند پیش-بینی کننده قوی برای مشکلات رفتاری از جمله گرایش به مصرف مواد در دوران نوجوانی باشد (کاسدی و شیور^۳، ۲۰۰۸). سبک های دلبستگی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، افسردگی، هیجان-خواهی و پرخاشگری با مصرف مواد مخدر ارتباط دارند (تارتر^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). دلبستگی به پدر، دلبستگی به مادر، نظارت والدین، پرخاشگری خانوادگی و مصرف مواد در محیط خانواده با مصرف مواد و افسردگی ارتباط معناداری دارد (باهر^۵ و همکاران، ۱۹۹۸). افراد مصرف کننده مواد مخدر بیشتر از همتایان خود که مواد مصرف نمی کنند دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند (پیترایتس و میلر^۶، ۱۹۹۵).

با توجه به مطالب بالا سبک های دلبستگی و صفات شخصیتی در گرایش و تداوم مصرف مواد مخدر، نقشی تعیین کننده دارند. همچنین هزینه های کمتر پیشگیری نسبت به درمان و ضررهای جبران ناپذیری که اعتیاد به جامعه وارد می کند انجام مطالعاتی را به به ریشه یابی اعتیاد می پردازد لازم می دارد، به گونه ای که این مطالعات می توانند مبنایی علمی برای برنامه ریزی های آتی ارگان های مربوطه باشند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی سبک های دلبستگی و ویژگی های شخصیتی در معتادان مواد مخدر است و همچنین به دنبال پاسخ دادن به فرضیه های زیر است.

2. Skol-Katz
3. Cassidy & Shaver
4. Tarter
5. Baher
6. Petraitis & Miler

1. Kohut

فرضیه ۱. بین صفات شخصیتی و اعتیاد به مواد مخدر رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲. بین سبک‌های دلبستگی و اعتیاد به مواد مخدر رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه مورد نظر پژوهش، کلیه افراد مصرف‌کننده مواد مخدر است که در زمان انجام پژوهش برای ترک به کمپ‌های ترک اعتیاد شهرستان کرج مراجعه کرده بودند. از این جامعه نمونه‌ای به حجم ۱۰۳ نفر به شیوه تصادفی انتخاب گردید. از این تعداد ۴۵ نفر زن و ۵۸ نفر آنها مرد بودند. شرکت‌کنندگان به مقیاس محقق ساخته شامل بیوگرافی اطلاعات فردی^{۱۰} خانوادگی، مقیاس صفات شخصیتی نئو FFI و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید پاسخ دادند، سپس داده‌های به دست آمده از اجرای مقیاس‌ها، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون‌های آماری t و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مقیاس‌های استفاده شده در پژوهش به شرح زیر است:

مقیاس نئو FFI: تست NEO-PI_R فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی نئو است که در سال ۱۹۸۵ توسط کوستا و مک کری تهیه

شده است (گروسی، ۱۳۸۰). این تست حاوی ۲۴۰ سؤال و دو فرم S (درجه‌بندی توسط خود فرد) و فرم R (درجه‌بندی توسط دیگران) می‌باشد که پنج عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت را در هر عامل اندازه می‌گیرد و به این ترتیب، ارزیابی جامعی را از شخصیت فرد ارائه می‌دهد. این تست توسط گروسی (۱۳۸۰) ترجمه و هنجاریابی گردید. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه و ۶۰ سؤالی این مقیاس (NEO-FFI) استفاده شده است. شرکت‌کنندگان در یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای به سؤالات پاسخ می‌دهد. کوستا و مک کری (۱۹۸۳)، فرم ۶۰ سؤالی این مقیاس را بر روی ۲۰۸ دانشجوی، به فاصله سه ماه اجرا کردند و ضرایب پایایی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ را به ترتیب برای عوامل N، E، O، A و C به دست آوردند. در اکثر تحقیقات اعتبار این مقیاس با استفاده از همبستگی فرم S و R مورد تأیید قرار گرفته است (گروسی، ۱۳۸۰). در مطالعه باباپور (۱۳۸۱)، برای این مقیاس ضریب پایایی ۰/۷۷ و ضریب روایی ۰/۸۷ درصد گزارش شده است. آلفای کرونباخ نئو در پژوهش حاضر ۰/۸۶ و ضرایب پایایی ۰/۷۸، ۰/۵۹، ۰/۵۴، ۰/۵۷ و ۰/۴۶ به ترتیب برای عوامل N، E، O، A و C به دست آمد.

پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید^۱ (RAAS): مقیاسی برای خود ارزیابی از مهارت‌های ایجاد

روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ داده می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت سنجیده می‌شود. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید براساس زمینه‌یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است. اجرای این پرسشنامه می‌تواند به صورت فردی، یا گروهی صورت گیرد.

نمره‌گذاری: براساس دستورالعمل پرسشنامه، ۶ ماده مربوط به هر زیر مقیاس مشخص می‌شود با توجه به اینکه در مورد هر جمله در پاسخنامه، آزمودنی علامت خود را روی کدام دایره زده است نمره وی برای هر زیر مقیاس مشخص می‌شود. سؤالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷* دلبستگی ایمن را می‌سنجند. سؤالات ۲، ۵، ۷*، ۱۴، ۱۶، ۱۸* دلبستگی اجتنابی را مورد

ارزیابی قرار می‌دهد و سرانجام سؤالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ دلبستگی دو سوگرا/ اضطرابی را می‌سنجد. در مواردی که سؤالات باید معکوس نمره‌گذاری شود (که در دستورالعمل نمره-گذاری با علامت * مشخص شده‌اند) باید بر روی گزینه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۴، ۳، ۲، ۱ و صفر در نظر گرفته شود. کولینز و رید مفادیر آلفای کرونباخ را در یک نمونه ۱۷۳ نفره، برای سبک‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ گزارش کردند. پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا را در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار می‌داند. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۵۲ و ۰/۸۶ محاسبه گردید.

یافته‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان در پژوهش برحسب متغیرهای دموگرافیک

جنسیت	فراوانی	درصد	میانگین سن	میانگین سن	میانگین سن	اولین ماده	سابقه	تأهل
			میانگین سن	میانگین سن	میانگین سن	مصرفی	خانوادگی	متاهل
			شروع	سطح سواد	متوسطه	تریاک	مجرد	متعلقه
مذکر	۵۳	۰/۵۴	۲۲/۵ سال	متوسطه	۶۴/۲	تریاک	۳۷/۷	۲۴/۵
مونث	۴۵	۰/۴۶	۲۴ سال	متوسطه	۴۶/۷	شیشه	۲۴/۴	۴۸/۹
جمع	۹۸	۰/۱۰۰	۲۴/۵ سال	متوسطه	۷۰/۵		۳۱/۶	۳۵/۷

همچنین مشاهده گردید اولین ماده مصرفی در جنس مذکر تریاک و در جنس مؤنث شیشه بود. سابقه مصرف مواد مخدر در خانواده هر دو جنس بالا بود، اما جنس مؤنث سابقه خانوادگی اعتیاد بیشتری را گزارش کردند و تعداد معتادان جنس مؤنث که از نظر تأهل متعلقه بودند تقریباً دو برابر جنس مذکر مشاهده گردید.

با توجه به داده‌های جدول بالا مشاهده می‌گردد که میانگین سنی مردان معتاد به مواد مخدر شرکت‌کننده در پژوهش، بالاتر از میانگین سن زنان هم‌تا بود، در مقابل سن شروع در مردان پایین‌تر از زنان مشاهده شد. میانگین سطح سواد هر دو گروه متوسطه بود، اما تعداد دارندگان مدرک دانشگاهی در جنس مؤنث بیشتر بود.

جدول ۲. توزیع سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیتی معتادان به مواد مخدر

متغیرها	t	Sig	df	میانگین مجزورات
روان نژندی	۰/۸۳۷	۰/۴۰۵	۹۶	۱/۸۳
برون‌گرایی	۰/۷۰۷	۰/۴۸۲	۹۶	۰/۹۳۳
باز بودن به تجربه	۲/۳۳	۰/۰۲۲	۹۶	۲/۸۱
توافقی بودن	۲/۶۴	۰/۰۱۰	۹۶	۳/۶۳
وجدانی بودن	۰/۰۴۸	۰/۹۶	۹۶	۰/۰۵۷
دلبستگی ایمن	۱/۴۳	۰/۱۵۷	۹۶	۰/۸۷
دلبستگی اجتنابی	۰/۷۴۳	۰/۴۶	۹۶	۰/۸۷
دلبستگی دوسوگرا	۰/۶۶۶	۰/۵۰۷	۹۶	۰/۹۰

شخصیتی به دست آورده‌اند. همچنین مشاهده گردید که معتادان به مواد مخدر نمره بالاتری را در سبک دلبستگی اجتنابی به دست آوردند.

با توجه به داده‌های جدول بالا مشاهده می‌گردد که صفات شخصیتی باز بودن به تجربه و توافقی بودن نمره بیشتری را نسبت به سایر صفات

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون نمره‌های معتادان به مواد مخدر در سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیت

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. دلبستگی ایمن							
۲. دلبستگی اجتنابی	۰/۴۲۲**						
۳. دلبستگی دوسوگرا	۰/۳۲۷**	۰/۵۱۱**					
۴. روان نژندی	۰/۰۳۸	۰/۱۹۰	۰/۴۱۹**				
۵. برون‌گرایی	۰/۳۲۳**	-۰/۳۴۵**	-۰/۳۹۴**	۰/۲۵۷*			
۶. باز بودن به تجربه	۰/۱۴۸	۰/۰۷۱	۰/۱۶۲	۰/۵۹۶**	۰/۵۰۴**		
۷. توافقی بودن	۰/۱۳۵	-۰/۲۹۲**	۰/۳۷۶**	۰/۵۶۱**	۰/۵۴۱**	۰/۵۸۳**	
۸. وجدانی بودن	۰/۴۱۲**	-۰/۳۷۸**	-۰/۲۹۸**	۰/۳۳۵**	۰/۶۳۷**	۰/۵۷۸**	۰/۵۰۷**

** $a=0/01$ و * $a=0/05$

با توجه به داده‌های جدول بالا مشاهده می‌گردد همبستگی بالایی بین انواع صفات شخصیتی با همدیگر در معتادان مواد مخدر وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با صفات شخصیتی روان نژندی و توافقی بودن ارتباط معنادار مشاهده گردید که این ارتباط در ۰/۰۱ هم معنادار است. همچنین مشاهده می‌گردد که بین سبک‌های دلبستگی با هم ارتباط معناداری وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن با صفات شخصیتی برون‌گرایی و وجدانی بودن ارتباط معنادار است.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر مطالعه سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیتی معتادان به مواد مخدر است. اعتیاد به مواد مخدر امروزه به یکی از بزرگ‌ترین معضلات بشری تبدیل شده است و می‌توان گفت که جامعه جهانی را با چالشی عظیم روبه‌رو کرده است. در مورد نبودن و نابودی کامل اعتیاد تقریباً یک تفاهم جهانی وجود دارد. اما با تمام مخالفت‌ها و هزینه‌هایی که صرف مبارزه با آن می‌شود هنوز هم معضلی جهانی است. در راه مبارزه با اعتیاد چیزی که همه در مورد آن توافق دارند این است که پیشگیری هم مؤثرتر و دارای هزینه کمتری برای جوامع است. جوامع مختلف از شیوه‌های مختلفی برای ریشه‌کن کردن اعتیاد استفاده می‌کنند. چندبُعدی بودن اعتیاد مسئله‌ای است که کار را مشکل‌تر می‌کند به گونه‌ای که حتی در مورد جرم و یا بیماری بودن اعتیاد بین

کارشناسان و جامعه علمی اختلاف نظر وجود دارد. اما بدون شک شناخت علل زیربنایی و عوامل مرتبط با این پدیده شوم می‌تواند به عنوان یک نقطه روشن در نظر گرفته شود. در مطالعه حاضر دو عامل از مهم‌ترین علل رفتاری افراد (صفات شخصیتی و سبک‌های دلبستگی) مورد بررسی قرار گرفت و بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشاهده گردید، میانگین سنی مردان معتاد به مواد مخدر شرکت‌کننده در پژوهش، بالاتر از میانگین سن زنان هم‌تا بود، در مقابل سن شروع در مردان پایین‌تر از زنان مشاهده شد. میانگین سطح سواد هر دو گروه متوسطه بود، اما تعداد دارندگان مدرک دانشگاهی در جنس مؤنث بیشتر بود. همچنین اولین ماده مصرفی در جنس مذکر تریاک و در جنس مؤنث شیشه گزارش گردید. سابقه مصرف مواد مخدر در خانواده هر دو جنس بالا بود، اما جنس مؤنث سابقه خانوادگی اعتیاد بیشتری را گزارش کردند و تعداد معتادان جنس مؤنث که از نظر تأهل متعلقه بودند تقریباً دو برابر جنس مذکر با همان وضعیت تأهل بود. همچنین مشاهده گردید سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا در بین معتادان به مواد مخدر شایع‌تر از سبک دلبستگی ایمن است. این نشان‌دهنده نقش سبک‌های دلبستگی در گرایش افراد به شروع و یا تداوم مصرف مواد مخدر است که با نتایج مطالعات پیشین مانند (پیترا تیس، فلای و میلر، ۱۹۹۵؛ باهر و همکاران، ۱۹۹۸؛ تارتر و همکاران، ۲۰۰۳؛ کاسدی و شیور، ۲۰۰۸)، هماهنگ و همسو است. در تبیین این مطلب

می‌توان بیان نمود، سبک‌های دلبستگی بسیاری از رفتارهای افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌توانند در عملکرد آنها در موقعیت‌های مختلف اثرگذار باشند. اعتیاد به عنوان یک رفتار، متأثر از سبک‌های دلبستگی و رابطه والدین و فرزندان است. سبک‌های دلبستگی می‌توانند ابتلا به اختلالات مصرف مواد افیونی را از طریق فرایندهای تعامل خانوادگی، کنترل اجتماعی، تنظیم عواطف و خودکارآمدی تحت تأثیر قرار دهند (بشارت، غفوری و رستمی، ۱۳۸۶). وجود فشار در درون خانواده‌های مصرف‌کننده مواد مخدر و عدم وجود روابط صمیمانه میان والدین و فرزندان می‌تواند توجیه‌کننده سبک دلبستگی نایمن در فرزندان خانواده‌های این افراد باشد (پیترایس، فلائی و میلر^۱، ۱۹۹۵).

همچنین مشاهده گردید بعضی صفات شخصیتی مانند باز بودن به تجربه و توافقی بودن در بین معتادان به مواد مخدر دارای فراوانی بیشتری نسبت به سایر صفات شخصیتی دارند. این نتایج با نتایج مطالعات گذشته مبنی بر نقش ویژگی‌های شخصیتی در گرایش و مصرف مواد مخدر مانند (کارلسون و اسروف، ۱۹۹۵؛ بال، ۲۰۰۴؛ بخشی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷) همسو و هماهنگ است. براساس مطالعات کریگ، نیومن و ویتاکو^۲ (۲۰۰۳) بین ویژگی‌های شخصیتی مانند هیجان‌خواهی، با مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. صفات شخصیتی در سال‌های اولیه شکل گرفته و تقریباً در طول عمر ثابت می‌مانند،

بسیاری از رفتارهای انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از مسائلی که با ویژگی‌های شخصیتی پیوند شدیدی دارد گرایش به مصرف مواد مخدر است که بیشتر به صورت عادت بروز می‌کنند. ویژگی‌های شخصیتی در فرایند اعتیاد و مراحل مختلف آن مانند شروع، گسترش و تداوم وابستگی به مواد نقش دارند (بال^۳، ۲۰۰۴). در پژوهشی که هدف آن مطالعه ویژگی‌های شخصیتی مستعدکننده افراد برای سوء مصرف مواد مخدر و عود دوباره به مصرف بعد از درمان نقش داشتند بود، ۱۰۸ معتاد به وسیله آزمون نئو مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج مشخص کرد که روان نژندی و وظیفه‌شناسی پایین، نقش بالایی را در شروع و عودهای مکرر بعد از درمان دارد (فیشر، الیاس، رینز، ۱۹۹۸/ ترجمه صالحی و همکاران، ۱۳۷۹).

از نتایج دیگر که براساس تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمد، ارتباط سبک دلبستگی ایمن با صفات شخصیتی برون‌گرایی و وجدانی بودن و ارتباط بین سبک دلبستگی نایمن با صفات شخصیتی روان نژندی و وجدانی بودن بود، که با مشاهدات کارلسون و اسروف، ۱۹۹۵؛ بال، ۲۰۰۴؛ گلداسمیت و الانسکی، ۱۹۸۷؛ همسو است. با توجه به اینکه سبک‌های دلبستگی در چهارچوب روابط نوزاد-مادر شکل می‌گیرند از طریق استقرار روان سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین مثبت نسبت به مادر و سپس اطرافیان، زمینه‌های شخصیتی مانند برون-

گرایی و صفات همراه با آن را در سبک دلبستگی ایمن فراهم می‌گردد و متقابلاً صفات برون‌گرایی مانند جمع‌گرایی، محبت، صمیمیت و مشارکت فعال در روابط بین شخصی، بر پویایی بازخوردهای مثبت در فرد تأثیر گذاشته و روند شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن را تقویت می‌کند. تبیین دیگر در ارتباط با همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن با برون‌گرایی این است که برون‌گرایی نشانه امنیت در روابط بین شخصی است، احساس امنیتی که در دوران نوزادی موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن می‌گردد. این مطلب در مطالعات شیور و برنان^۱ (۱۹۹۲)، مورد تأیید قرار گرفته است. در تبیین ارتباط بین دلبستگی نایمن با صفات شخصیتی روان نژندی، می‌توان به وجه اشتراک بین آنها، شامل دوری‌گزین، احساس عدم امنیت، بدبینی نسبت به اطرافیان، اضطراب، پرخاشگری و منفی‌گری اشاره کرد. اضطراب و پریشانی تجربه شده در روابط بین شخصی نوزاد^۰ مادر، که ویژگی دلبستگی نایمن است می‌تواند شرایط را برای شکل‌گیری شخصیت روان نژند و مضطرب فراهم کند. این تبیین با مطالعات شیور و برنان (۱۹۹۲)، مطابقت می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش نشان‌دهنده ارتباط منفی بین سبک دلبستگی نایمن با صفات شخصیتی برون‌گرایی و وجدانی بودن (وظیفه-شناسی) است، که با نتایج مطالعات شیور و برنان (۱۹۹۲)، بشارت و همکاران (۱۳۸۵)، هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان

کرد که جمع‌گرایی، محبت، صمیمیت، به عنوان ویژگی‌های بعد برون‌گرایی و اطمینان، اراده، هدفمندی و نظم، به عنوان ویژگی‌های بعد وجدانی بودن نمی‌توانند با منفی‌گری، انزوا و احساس عدم امنیت که از ویژگی‌های دلبستگی نایمن هستند هماهنگ و همسو باشند و به صورت همزمان در یک شخص وجود داشته باشند. این تبیین با یافته‌های شیور و برنان (۱۹۹۲) مطابقت می‌کند.

همان‌گونه که در بالا مشاهده گردید، بین سبک دلبستگی نایمن و صفات شخصیتی روان نژندی و دلبستگی ایمن با برون‌گرایی و وجدانی بودن رابطه معنادی وجود دارد. اما نمی‌توان براساس این نتایج به رابطه علی و معلولی بین این متغیرها اعتقاد داشت، زیرا در شکل‌گیری هر یک از آنها عوامل مختلف ارثی و محیطی دخالت دارند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که این ارتباط در مطالعات بعدی به صورت دقیق‌تر، از زوایای مختلف و نقادانه‌تر مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین مشاهده گردید بین سبک‌های دلبستگی نایمن و بعضی صفات شخصیتی مانند باز بودن به تجربه با گرایش افراد به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. اما نمی‌توان به طور قاطع بیان کرد که علت گرایش به اعتیاد هستند. اعتیاد پدیده‌ای چند بُعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلف اعم از محیطی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و غیره... به وجود آمده و ادامه پیدا می‌کند، بنابراین شناخت علل و عوامل به‌وجود آورنده آن منوط به مطالعه این پدیده از بعدهای مختلف است. دلبستگی به

1. Shaver & Brennan

ریزیبانه پژوهشگران دور نماند. لیکن مطالعاتی از این دست، هرچند ناچیز و جزئی باشند می‌توانند در درازمدت مفید واقع شوند. لذا پیشنهاد می‌گردد که مسئولان زیربط و مرتبط با مسئله اعتیاد با محققان و پژوهشگران این حیطه، در مراحل مختلف پژوهش، همکاری لازم را مبذول بنمایند و از نتایج این پژوهش‌ها در برنامه‌ریزی‌های مربوطه استفاده کنند.

سپاسگزاری

گروه نویسندگان این پژوهش مراتب تشکر و قدردانی خود را از کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش اعلام می‌دارند.

منابع

- Basharat, M. A.; Ghafouri, B.; Rostami, R. (1386). "Attachment styles and non-infected patients with substance use disorders". *In medical research, martyr Beheshti University of Medical Sciences and Health Services*. Period 31. Issue 3. 265 to 271.
- pakdaman, Sh. (1380). "The relationship between community attachment and loving teenager". *PhD Thesis Psychology - Science*. Tehran University.
- Shariat Panahi, M.; Shahbaz, Sh. (1389). "Patterns of drug use in Narcotics Anonymous". *Journal of Rehabilitation*. Vol. XI. N. 1. Number 41.
- Yahya zadeh, H. (1388.) "Family influences on people's tendency to abuse drugs". *Journal of Social Research*. Second Year. No. 142-123.
- Bahr, S. J.; Suzanne, L.; Anastasios, C. & Bingdao, L. (1998). "Family, religiosity and the risk of adolescent drug use". *Journal of Marriage and the Family*. 6, 979-992.
- Ball, S. A. (2004). *Personality traits, disorders, and substance abuse*. In R. M. Stelmack (Ed.). *On the psychobiology of personality: Essays in honor of Marvin Zuckerman*. New York: Pergamon.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: vol I. Attachment*. London: The Hogarth press and Institute of psycho-analysis.
- Carlson, E. A. & Sroufe, L. A. (1995). *Contribution of Attachment Theory to Developmental*. New York: Wiley.
- Cassidy, J. & Shaver, P. R. (2008). *Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications*. New York: Guilford Press.
- Craig, S.; Neumann, M. & Vitacco, A. (2003). *Longitudinal assessment of callous/impulsive traits, substance abuse, and symptoms of depression in adolescent*. *Annales* New York

- Academy of Sciences, Issu, 1008 Available at. <http://www.Cas.Unt.Edu/faculty/randa/faculty>.
- Fogle, A. (1997). *Infancy: Infant, Family and society*. West publishing company, minneapolis, paul. New York: losangeles. sarfrancisco.
- Goldsmith. H. H. & Alansky, J. A. (1987). "Maternal and infant temperamental predictors of attachment: A meta-Analytic study". *Journal of conculing and clinical psychology*. 55. 805-816.
- Hazan, C. & Shaver, P. R. (1994). "Attachment as an organizational framework for research on close relationship". *Psychological inquiry*. 5. 1-22.
- Kirkpatrick, L. A. & Hazan, C. (1994). "Attachment styles and close relationships: A four-year perspective study". *Personal relationships*. 1. 123-142.
- Kohut, H. editor. (1992). *The restoration of the self*. Madison, CT: International University Press.
- Levy, K. V.; Shaver, P. R. & Blatt, S. J. (1998). "Attachment style and parental representations". *Journal of Personality and Social Psychology*. 74 (2), 402-419.
- Papalia, D. E. (2002). *A child's world: infancy through adolescence*. New York: McG raw- Hill.
- Petratis, J.; Flay, B. R. & Miler T. A. (1995). "Reviewing theories of adolescent substance use: organizing pieces in the puzzle". *Psychol Bull*. 117. 67-86.
- Pines, M. A. (2005). *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and hove: Routledge.
- Sokol-Katz, J.; Dunham, R. & Zimenerman, R. (2003). "Family structure versus parental attachment in controlling adolescent deviant behavior: A social control model". *Department of Sociology*. University of Miami, Coral Gables. FL 33124, USA.
- Shaver, P. R. & Brennan. K. A. (1992). "Attachment styles and the Big Five personality traits". *Personality and social psychology bulletin*. 18, 536-545.
- Tarter, R. E.; Kirisci, L.; Mezzich, A.; Cornelius, J. R.; Pajer, K., Vanyukov, M.; Gardner, W.; Blackson, T. & Clark, D. (2003). "Neurobehavioral disinhibition in childhood predicts early age at onset of substance use disorder". *American Psychiatric Association*. 160, 1078-1085.
- Walters, G. D. (1999). *The addiction concept*. st ed. USA Boston: Allyn & BoenInc. 1-11.